

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies

Vol. 16, No. 2, (Serial. 32), Summer 2023

Research Article

 10.30497/qhs.2023.243857.3701



 20.1001.1.20083211.1402.16.2.7.5

Discourse Analysis of Sura Tahrir based on Norman Fairclough' Model

Zohreh Koochak Yazdi *

Mahdi Izadi**

Marzieh Mohases***

Received: 12/08/2021

Accepted: 07/03/2022

Abstract

Fairclough's three-dimensional analysis model, which is based on description, interpretation, and explanation, can help in assessing the dominant perspective on texts in society, as well as which perspective and intellectual foundation develops a specific text. In doing so, the text's social attitude can be contested, which may lead to social acts being changed and corrected. By taking a cue from Fairclough's model, it is possible to learn how to understand and explain surahs for which there are few hadith sources available, or have been misinterpreted based on socially accepted beliefs. According to the second Caliph, Surah At-Tahrir was revealed about two caliphs' daughters. However, the exegesists have not examined their behavior because of religious biases. For the aforementioned reason, the accounts that are now available regarding the occasion of the surah's revelation are ineffectual. This study examined Surah At-Tahrir as a discourse. The terms "saqw," "mawla," "zaheyr," etc., were examined in the description section. God and Ali ibn Abi Talib backed the Prophet Muhammad and opposed his wives because of the wives' proclivity for deviation and lack of regret. In the interpretation section, the prevailing viewpoint of the surah revealed that the Prophet Muhammad's wives were accomplices with the hypocrites who hatched an unforgivable conspiracy, so that God proposed that the Prophet Muhammad, who practiced the utmost kindness with his family, divorce his wives. According to the explanation section, the reason for revealing the surah was to uncover the conspiracy of conspirators and so that society could decide the right path after the death of the Prophet Muhammad and not be misled. This descriptive-analytical research used a desk study to collect data.

Keywords: *sura tahrir, Discourse Analysis, fairclough, prophet' wives.*

* PhD student of Quran and Hadith sciences, imam sadegh university of Tehran, Tehran, Iran.(corresponding author) Zohreh.yazdi70@gmail.com

** Professor, Department of Quranic and hadith sciences, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran. Dr.mahdi.izadi@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Quranic and hadith science, shahid beheshti university, Tehran, Iran. M_mohases@sbu.ac.ir



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۶، شماره ۲، پیاپی ۳۲

بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۷۷-۲۰۸

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2023.243857.3701



20.1001.1.20083211.1402.16.2.7.5

تحلیل گفتمان سوره تحریم بر اساس الگوی فرکلاف

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

زهرة کوچک یزدی*

مهدي ایزدی**

مرضیه محصص***

چکیده

مدل تحلیل سه سطحی فرکلاف، بر اساس توصیف، تفسیر و تبیین می تواند در بررسی دیدگاه یا نگرش قالب بر متون در جامعه و اینکه چه دیدگاهی با کدام زیربنای فکری، یک متن مشخص را تولید کرده، کمک نماید. لذا می توان ازین طریق، ذهنیت اجتماعی را از متن به چالش کشید و در اصلاح و تغییر کنش های اجتماعی تأثیر گذاشت. با الهام گیری از روش فرکلاف می توان رویکرد سوره هایی را که منابع حدیثی کمی برای تفسیر و تبیین دارند و یا براساس نگاه حاکم بر جامعه، برداشت ناصحیحی از آن صورت گرفته است، کشف نمود. گفته شده سوره مبارکه تحریم درباره برخی از همسران پیامبر اکرم(ص) نازل شده، اما مفسرین به جهت تعصبات اعتقادی به واکاوی رفتار ایشان نپرداخته اند. در این پژوهش با روش تحلیل گفتمان، سوره تحریم مورد مطالعه قرار گرفته است. در مرحله توصیف، واژگان سوره بررسی شده که نشان دهنده تمایل به انحراف و عدم پیشمانی از رفتار در همسران پیامبر(ص) است. در مرحله تفسیر، نگرش قالب سوره بررسی شده که نشان دهنده همدستی همسران با منافقین بوده تا جایی که پیامبر(ص) از طرف خداوند پیشنهاد طلاق را مطرح میکنند. در مرحله تبیین نیز هدف نزول سوره بررسی شده که نشان دهنده افشای راز توطئه گران به جهت امکان تشخیص مسیر درست حرکت برای جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر(ص) بوده است.

واژگان کلیدی

سوره تحریم، تحلیل گفتمان، فرکلاف، همسران پیامبر(ص).

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zohreh.yazdi70@gmail.com

Mahdi.izadi@gmail.com

M_mohases@sbu.ac.ir

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

*** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.



طرح مسئله

قرآن کریم شامل جهان بینی و ایدئولوژی‌هایی است که سعی در ارائه نگرش یا تغییر و اصلاح اندیشه و رفتار در جامعه دارد. لذا هر سوره برای بیان هدف و مقصد خاصی عرضه شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۴) تحلیل گفتمان انتقادی ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد. هدف از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیک موجود در متون زبانی است. در واقع این مفهوم جدای از زبان‌شناسی توصیفی که تنها به ساختار و صورت متن توجه دارد، می‌باشد. گفتمان انتقادی سه اصل مهم دارد: اول: زبانی که بکار می‌بریم بیانگر دیدگاهی خاص نسبت به واقعیت است. دوم: تنوع در گونه‌های گفتمان از عوامل اجتماعی جدایی‌ناپذیرند؛ بنابراین تنوع زبانی منعکس‌کننده تفاوت‌های اجتماعی است. سوم: به کارگیری زبان نه تنها بازتاب فرایند اجتماعی، بلکه بخشی از فرایند اجتماعی است. (سلطانی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۱)

تحلیل انتقادی گفتمان، رویکرد نوینی در تحلیل گفتمان است که در دهه‌های اخیر، در طیف وسیعی از پژوهش‌ها به کار گرفته شده است. نورمن فرکلاف تحلیل انتقادی گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر، تبیین مد نظر قرار داده است. هدف از تحلیل گفتمان انتقادی، یافتن ایدئولوژی در پس متون می‌باشد تا ناگفته‌های گوینده و نویسنده روشن گردد. (ون دایک، ۱۳۸۳ش، ص ۴) به بیان دیگر گفتمان را می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها دانست که در پس خود قلمروهایی از مفاهیم با بار ایدئولوژیک را همراه دارند و هدف آنها ایجاد یا نشان دادن نوع خاصی از نگرش عملکردی اجتماعی است. تحلیل انتقادی گفتمان نیز به دنبال آن است که با تحلیل این نشانه‌ها مفهوم ایدئولوژیک را که در ظاهر قابل مشاهده نیست، آشکار نماید.

سوره تحریم در اواخر عمر شریف پیامبر اسلام (ص) نازل شده است. در ترتیب نزول صد و هفت یا صد و هشتمین سوره می‌باشد. روایات در سبب نزول آن هم دارای اهمیتی ویژه است، زیرا از یکسو ظواهر و سیاق آیات، خبر از توطئه‌ای بزرگ توسط برخی همسران پیامبر (ص)، علیه رسالت ایشان می‌دهد؛ از سوی دیگر اخبار سبب نزول، مسأله را در حد یک حسادت زنانه میان همسران تنزل داده است. (فقهی زاده و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۱)

از آنجا که اصل قرآن و الفاظ و حیانی آن قابل دستکاری و جابجایی نبود، مخالفان به جعل و تحریف روایات پرداختند، لذا روایات قرآنی نیز از آسیب جعل و تحریف دور نماند. (عسکری،



۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۵) چنان که برای مثال روایات اسباب نزول بعضاً رنگ و بوی ضعف، ارسال و جعل و تزویر به خود گرفته. (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۲۵۳)

اخبار سبب نزول این سوره علیرغم اشکالات درونی، اضطراب در متن و اختلافات با یکدیگر و تعارضات با ظواهر آیات سوره، در تفاسیر شیعه و اهل سنت تلقی به قبول شده و هر مفسری مطابق با گرایش خود، گوشه ای از آنها را انتخاب کرده است. با اینهمه گروهی از محققان برخی از اخبار را مجعول و محرف دانسته اند. (بلاغی، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۵۰)

این پژوهش بر آن است که با الهام از روش تحلیل انتقادی فرکلاف، مدلی را در تحلیل سوره تحریم ارائه دهد. بنابراین مهمترین سؤالاتی که این پژوهش در صدد پاسخ به آنهاست:

۱- چگونه می توان با الهام گیری از مدل سه سطحی فرکلاف (توصیف، تفسیر و تبیین) از لایه های سطحی معنا به لایه های عمیق معنایی و کشف گفتمان حاکم در سوره تحریم دست یافت؟

۲- گفتمان حاکم بر سوره تحریم چیست؟

۳- کارکرد اجتماعی گفتمان این سوره برای جامعه عصر نزول و پس از آن چگونه است؟

پیشینه تحقیق

در زمینه به کارگیری روش نورمن کلاف، مقاله ای تحت عنوان «بررسی تحلیل گفتمان انتقادی سوره یوسف(ع)، بر اساس الگوی نورمن کلاف» از محمد مؤمنی، در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است. البته در زمینه سوره تحریم تاکنون تحقیقات تحلیل گفتمان صورت نگرفته است. محمدرضا شالی در سال ۱۳۹۵ در اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، «بررسی تطبیقی تفسیر آیات ۱ تا ۵ سوره تحریم در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن» را نگاشته است. کیانوش نریمان در سال ۱۳۹۶ در سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، «سر نهفته در آیه ۳ سوره تحریم را با توجه به اسباب نزول در تفاسیر شیعه و سنی» بررسی نموده است. سیدعلی حسینی فاطمی نیز در سال ۱۳۸۵ در مجله تاریخ اسلام در آیین پژوهش، مقاله ای با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه های موجود درباره افشای راز پیامبر (ص) در آیات ابتدایی سوره تحریم» را به ثبت رسانده است.

این تحقیقات ارزشمند، بیشتر در زمینه آیات ابتدایی سوره تحریم می باشد و البته بدون روش تحلیل گفتمان. عبدالهادی فقهی زاده و محمد برزگر مقاله «جعل و تحریف در اخبار سبب

نزول سوره تحریم» را در مجله حدیث پژوهی در تابستان ۱۳۹۶ بررسی نموده اند و جعلی بودن یا تحریف در این اخبار را تقویت نموده است. محمد خامه گر در زمستان ۱۴۰۰ مقاله ای را بعنوان «ساختار و غرض سوره تحریم، کشف استدلالی با رویکرد جامع» در مجله پژوهش نامه نقد آراء تفسیری نگاشته است که در آن، آیات این سوره را نه در مقام تبیین شیوه اخلاق مدار رویایی با همسران در خانواده، بلکه در مقام هشدار نسبت به فعالیت عناصری خیانت پیشه در اطراف خانواده پیامبر نشان می دهد. روش این پژوهش، روش جامع بازشناسی غرض سوره است که روش نوینی در پژوهش می باشد.

شیرین رجب زاده و زهره اخوان مقدم نیز در زمستان ۱۳۹۹ مقاله ای را با عنوان «پیوند معنایی آیات هر سوره بر محور غرض سوره با تأکید بر سوره تحریم» در مجله مطالعات قرآن و حدیث سفینه به چاپ رسانده اند. ایشان با توجه به نظریه تکامل یافته اصل تناسب و استفاده از نمودار درختی نشان داده اند که آیات سوره نظم یکپارچه ای دارند و بر مدار محوری مشخص چیده شده اند. محور سوره آن است که همسران رسول خدا (ص) باید رفتاری مناسب، به دور از خود خواهی و حسادت داشته باشند تا دست‌آویزی برای سودجویی دشمنان پیامبر (منافقان و کفار) قرار نگیرند و نمونه و الگویی برای تمام مردم در همه اعصار باشد. همه این پژوهش‌ها روشهایی داشتند که با پژوهش حاضر متفاوت است. پژوهش حاضر بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس روش فرکلاف می باشد.

چارچوب نظری پژوهش

در تحلیل گفتمان، صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله، به عنوان عمده ترین مبنای تشریح معنا: یعنی، زمینه و متن سر و کار نداریم، بلکه فراتر از آن با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و سر و کار داریم (بهرام پور، ۱۳۷۹ش، ص ۸). بنابراین، تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلا فصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل بیرون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی میکند (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ص ۸).

اگر تحلیل گفتمان به مثابه یک روش کیفی در تحقیق مورد نظر قرار گیرد، میتوان یافت که چه دیدگاه و تفکری با کدام زیر بنای فکری، یک متن مشخص را تولید کرده و از این طریق



حوزه های معنایی در گردش در جامعه که به دنبال تغییر یا سلطه شکل گیری ذهنیت اجتماعی است را آشکار کرد. این امر تنها از طریق تحلیل منظم گفتمانی امکان پذیر است. امری که می توان با توجه به دو رویکرد اجتماعی و زبان شناختی آن را محقق کرد. در رویکرد زبان شناختی تحلیل گر به دنبال تحلیل بافت متنی و در رویکرد اجتماعی به دنبال توجه به بافت موقعیتی است. بر این اساس تحلیل گر برای پیش بردن آن و به منظور تفکیک اجزا و سطوح متفاوت در رابطه با متن ابتدا برشهای عمودی و افقی در ساختار متنی و فرامتنی ایجاد می نماید و ساختارهای خرد و کلان در سطح و عمق متن و فرامتن را از یکدیگر جدا و زمینه را برای حرکت از لایه های سطحی به سمت لایه های ژرف و کلان معنا فراهم می سازد (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ش، ص ۱۸). برای درک لایه ها یا سطوح مختلف یک متن میتوان آن را به دو لایه تقسیم کرد. داستان (یا معنا یا پیام) را در عمق متن متصور شد و نحوه بیان را شکل دهنده لایه سطحی متن دانست. به عبارت دیگر در لایه عمقی، متن داستان یا محتوای متن قرار دارد و در لایه سطحی متن، چگونگی یا شکل گفتمانی یا نحوه بیان محتوا جای گرفته است. به عبارت دیگر معنا مفهومی عمقی است، اما چگونگی بیان آن در لایه سطحی قرار دارد (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ش، ص ۲۹).

بر همین اساس باید گفت برای فهم یک گفتمان باید با عبور از لایه سطحی (توصیف داده های زبانی) به لایه عمقی که شناخت موقعیت اجتماع است رسید. همانطور که بیان شد فرکلاف برای فهم عمیق و حرکت از متن به جامعه و تحلیل انتقادی یک گفتمان، مدلی سه سطحی شامل توصیف، تفسیر و تبیین را مطرح می سازد.

در سطح توصیف، متن بر اساس مؤلفه های زبان شناختی خاص موجود در گفتمان (واژگان دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله) توصیف می شود. در سطح تفسیر به روابط موجود در بین فرایندهایی که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می شوند و تأثیر انتخابهایی که در پیکره گفتمان (از لحاظ واژگان، ساخت و...) اتفاق می افتد، می پردازد. در نهایت در سطح تبیین به توضیح تأثیر گفتمان خاص در چارچوب عمل اجتماعی می پردازد (ملک مرزبان، ۱۳۹۲، ش، ص ۱۱۵).

در سوره تحریم، با بررسی واژه ها و ساختار متن، سرنخی از نحوه روابط اجتماعی (پیامبر(ص) و اطرافیان) به دست می آید که در ادامه مقاله بررسی می شود.

شمای کلی سوره تحریم

محتوای این سوره به این نحو است که در آیات ابتدایی این سوره، سرّی توسط برخی همسران پیامبر(ص) افشاء شده که به جهت این رفتار مورد عتاب خداوند قرار می‌گیرند. (۳) آنگاه سخن از توبه ای مطرح می‌شود که انجام نمی‌گیرد چون قلوب ایشان به باطل میل دارد؛ سپس خداوند یاریگران پیامبر(ص) را معرفی می‌نماید (۴) و به پیامبر(ص) وعده گشایش می‌دهد (۵) و در ادامه از آتشی سخن می‌گوید که می‌تواند اهل خانه را در برگیرد. (۶) پس از آن عذر کافران را نابخشودنی می‌داند و به پیامبر(ص) امر جهاد می‌نماید (۷ و ۹). در نهایت الگوی زنان مؤمنه را مریم(س) و آسیه(س) معرفی نموده و الگوی زنان کافر را همسر نوح(ع) و همسر لوط(ع) می‌داند (۱۰ و ۱۱).

۱. تحلیل سوره در سطح توصیف

توصیف، اولین سطح از تحلیل گفتمان است که در آن خرده لایه هایی از جمله ویژگیهای ظاهری و ملموس متن همچون واژگان، جملات و ساختار متن مورد توجه قرار می‌گیرد. در سطح توصیف با تمرکز بر واژه ها و ویژگیهای دستوری و ساختارهای متن به جستجوی ارزش های تجربی، ارزش های رابطه ای و ارزش های بیانی موجود در متن که آن را ارزش های صوری موجود در متن می‌نامند می‌پردازند (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ص ۱۷۲).

فرکلاف در این سطح به بیان سؤالاتی پرداخته و تحلیل در این سطح را با پاسخگویی به این سؤالات ممکن می‌داند. مهمترین سؤالاتی که فرکلاف در این سطح مطرح می‌کند: کلمات و ویژگی های دستوری واجد کدام رابطه تجربی و رابطه بیانی هستند؟ چه نوع روابط معنایی به لحاظ ایدئولوژیک معنا دار بین کلمات وجود دارد؟

موضوع مهم در این سطح، این است که مؤلف با انتخاب چه واژگانی به بیان معانی و رویدادها پرداخته است؟ بررسی واژگان انتخاب شده می‌تواند برای یک تحلیل گر گفتمانی از ارزش خاصی برخوردار باشد، چرا که اساساً هر انتخابی مستقیماً با مفهوم نگرش ارتباط داشته و نشان از ایدئولوژی انتخاب کننده است. در خرد لایه واژگان، ویژگیهای مختلف واژه از جمله: مفهوم واژه های به کار رفته، واژه های ارزشی و کلیدواژگان متن، استعارات به کار رفته و... مورد توجه قرار می‌گیرد.



۱-۱. تحلیل واژگان سوره

برای دست یابی به ساختار کلی سوره تحریم، واژگانی را مورد بررسی قرار دادیم که کمتر در آیات قرآن دیده شده اند و دارای بار ایدئولوژیک و معنایی می باشند.

۱-۱-۱. تحلیل واژه «صغت»

راغب اصفهانی در معنای «صغو» معنای کزی را برگزیده و انحراف به سوی شیطان را با آیه ۱۱۳ سوره انعام نشان می دهد: «وَلِيَتَصْنَعِ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ...» (انعام: ۱۱۳)؛ تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند از شنیدن گفتار آراسته شیطان منحرف و متمایل به کزی شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۶). علامه طباطبایی می گوید در اینجا منظور میل به باطل و خروج از حالت استقامت است (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۳۲۵).

جمله «فَقَدْ صَعَّتْ قُلُوبُكُمْ» کنش اخباری داشته و این خبر را می دهد که قلوب شما از حالت استقامت خارج شده و به باطل مایل گشته است. «قد» حرف تأکید و اخبار قطعی از اوضاع قلوب ایشان است. دیگر اینکه صنعت التفات در جمله حاکم است و عتاب شدید را نشان می دهد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۹۵).

۱-۱-۲. تحلیل واژه «مولی»

کلمه «مولی» به معنای ولی و سرپرستی است که عهده‌دار امر متولی علیه باشد و او را در هر خطری که تهدیدش کند یاری نماید (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۳۳۱). کلیدواژه مولا تنها در دو آیه دیگر، با این لحن به کار رفته است، آیه ۱۵۰ سوره آل عمران و آیه ۴۰ سوره انفال که هر دو آیه اولاً در مواجهه با کافران است و ثانیاً از نصرت و یاری الهی سخن می گوید. پس این واژه نشان می دهد که خداوند در مواجهه با کفار، خود را به عنوان مولی و سرپرست رسول معرفی می نماید. خداوند این واژه را در مورد سه فاعل به کار برده است: خودش، جبرئیل و صالح المؤمنین که با توجه به اینکه «مولی» به صورت جمع به کار نرفته است، نمایانگر یکسویی نصرت و یاری این سه می باشد. «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ...» تقدم لفظ جلاله الله قبل از مولا، نشان از تأکید و حصر یاریگری دارد. (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۴)

در واقع جبرئیل از میان ملائکه و صالح المؤمنین از میان مؤمنان به جهت علو شأن متمایز گشته اند و جنس یاری ایشان نیز متمایز است زیرا متولی امور پیامبر (ص) هستند. ملائکه پس از ایشان به عنوان پشتیبان (ظهیر) معرفی شده اند.

۳-۱-۱. تحلیل واژه «ظهير»

ظهير به معنای پشتیبانی است و آنطور که اهل لغت گفته اند: «التفوق بالقهر و الغلبة و الشدة» (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۷، ص ۱۸۵). در آیه چهارم در صورت عدم توبه و همدستی همسران و پشتیبانی یکدیگر علیه پیامبر(ص)، خداوند هم پشتیبانان پیامبر(ص) را معرفی می کند. این یاریگران ملائکه هستند. یاری رساندن ملائکه، در آیات ۹ انفال و ۱۲۵ آل عمران آمده است. خداوند متعال مؤمنین را در برابر کفار با نزول ملائکه یاری رسانده است. وصف ملائکه مردفین به این معناست که چند هزار ملک که هر هزارش دنبال دیگری باشد، در جنگ با کفار حاضر می شوند (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۲۰). اما نصرت و یاری ملائکه برای پیامبر(ص) درون خانه و در مواجهه با توطئه همسران چرا مطرح می گردد؟ مقصود خداوند از معرفی چنین پشتیبانانی چه میتواند باشد؟

زمخشری در تفسیر این آیه می گوید:

«ملائکه با تعداد بسیارشان و پر بودن آسمانها از ایشان بعد از نصرت الهی و جبرئیل و صالح المؤمنین همچون ید واحده ای پشتیبان پیامبر(ص) هستند. آنگاه پشتیبانی دو زن در برابر پیامبر(ص) به کجا می رسد!» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۶۷).

عبارت «ظهير» در آیه دیگری به کار برده شده است: «فَلَمَّا اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (الاسراء: ۸۸)؛ اگر جن و انس اجتماع کنند تا همچون قرآن بیاورند نمی آورند، حتی اگر یکدیگر را معاونت و یاری نمایند. در این آیه، یک طرف دعوا همه جن و انس هستند که همدیگر را پشتیبانی می کنند. طرف دوم خداوند متعال است و مقوله بین این دو، آوردن همچون قرآن. در آیه ۴ سوره تحریم، طرف اول برخی همسران پیامبر(ص) هستند و طرف دوم خداوند، جبرئیل و صالح المؤمنین می باشند و مقوله بین این دو توطئه علیه پیامبر(ص) است. ظاهرا خداوند متعال در برابر جن و انس تنها خودش را معرفی می نماید اما آنگاه که سخن از توطئه همسران می شود، یاورانی را که یاری ایشان همان یاری خداوند است، نیز معرفی می کند. آنچه مسلم می نماید پیروزی جبهه دوم خواهد بود ولو در ظاهر رخ ندهد.



۴-۱-۱. تحلیل واژه «خیراً»

واژه «خیر» هم میتواند بعنوان صفت تفضیل و هم غیر آن بکار رود، اما در آیات زیر بعنوان صفت تفضیل کاربرد دارد و تمایز را نشان می دهد. در آیه «فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا» (یوسف: ۶۴) یعنی خداوند بهترین حافظان است. در واقع حفظ کردن الهی به طور ویژه از مخلوقات متمایز گشته است. همینطور در آیه «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رَبُّكَ خَيْرًا...» (المؤمنون: ۷۱) یعنی خرج و مزدی که بندگان بدهند هرچه باشد، رزق و روزی خداوندت بهتر از آنست زیرا او خیر الرازقین است: «وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (المؤمنون: ۷۲). در آیه دیگر نسبت به زنان میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ...» (الحجرات: ۱۱) در اینجا هم برتری می تواند از آن قومی باشد که مورد تمسخر واقع شده اند. مثلاً ایشان با تقواتر یا متواضع تر یا با ایمان تر بوده اند. در مجموع در همه این آیات ویژگی برتری دیده می شود. حفظ برتر، روزی برتر، تقوا یا تواضع بیشتر.

اما وقتی پس از این واژه، توصیفی همچون مسلمان یا مؤمن می آید پیام آیه تفاوت می کند. در آیه: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّفَكُمُ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُمْ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» (التحریم: ۵) می توانست پس از واژه «خیراً» مسلمان تر، مؤمن تر یا عابد تر بیاید، مثلاً بگوید: «أشدّ إيماناً» اما اینطور نیست. پس از «خیراً» واژه مسلمان و مؤمن آمده است! همسرانی مسلمان و مؤمن، متواضع و تائب، عابد و پاکدامن! (التحریم: ۵) وجه تمایز بین همسران فعلی با همسرانی که وعده داده شده اند اسلام آوردن، ایمان، تواضع، عبادت و پاکدامنی است، نه مسلمان تر بودن یا مؤمن تر بودن. در واقع خداوند در این آیه می فرماید: اگر ایشان را طلاق بدهی، همسرانی بهتر به تو داده خواهد شد. این همسران بهتر، مؤمن تر یا مسلمان تر نیستند بلکه همسران بهتر، مؤمن و مسلمان هستند!

تاریخ زندگی آن حضرت به خوبی نشان می دهد که بعضی از همسران پیامبر نه تنها معرفت لازم را نسبت به مقام نبوت نداشتند، بلکه گاه او را همچون شخص عادی مورد بازخواست و حتی مورد اهانت قرار می دادند بنا بر این اصرار بر این معنا که همه آنها افراد شایسته و کاملی بوده اند، بی دلیل به نظر می رسد آنها با توجه به صراحت آیات قرآن کریم (ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۸۶).

معنای واژه «خیراً منکن» با توضیح بیضاوی در آیه ۱۱۰ آل عمران مشخص میشود. «... لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰) بیضاوی می گوید:

«عبارت «لَكَانَ خَيْرًا لَّكُمْ» یعنی ایمان برای ایشان خیر بود از آنچه که در آن بودند (یعنی بی ایمانی)» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۳).
پس می توان گفت که تفاوت دو نوع همسران پیامبر(ص) در ایمان و فسق است.

۵-۱-۱. تحلیل واژه «جاهد»

واژه «جاهد» امر و خطاب مستقیم به پیامبر(ص) در برابر منافقین است. پیامبر(ص) تا سالهای آخر عمر، مأمور به عفو و صفح در برابر منافقین بودند. خداوند همواره با وجود خیانت برخی اطرافیان، دستور به عفو و صفح می داد (مائده: ۱۳). اما انگار خطر این خیانت بقدری است که فرمان مجاهده با ایشان آمده است. این نشان می دهد که منافقین دست بردار نبوده و به کار ناپسند خویش ادامه می دادند. در واقع وقتی منافقین از دشمنی پنهان به دشمنی آشکار تغییر جهت دادند، فرمان الهی به جهاد با ایشان تغییر یافته است.

آیه ای دیگر به خوبی این حقیقت را روشن می سازد: «لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجُؤُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَعْنَتِكَ يَوْمَ تَمُوتُ لَمْ يُجَاوِزُواكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أُخِذُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا» (الأحزاب: ۶۰-۶۱). در واقع جهاد، آخرین دارویی است که خداوند برای منافقین در نظر می گیرد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۴، ص ۲۰۹) و امر مستقیم به جهاد با منافقین نشان از شروع دشمنی علنی ایشان با پیامبر(ص) است.

به نظر می رسد، کلید واژگان اصلی این متن در دو جبهه شکل می گیرد. جبهه اول: منافقین، کفار، برخی همسران که میل به باطل در وجودشان از بین نمی رود، همسر لوط(ع)، همسر نوح(ع) و جبهه دوم: خداوند، جبرئیل، صالح المؤمنین، ملائکه، همسرانی مؤمن و پاکدامن، آسیه(س) و مریم(س).

۶-۱-۱. تحلیل واژگان بخش روایی سوره

بخش دوم واژگان مربوط به قسمت روایی سوره است. در این قسمت تنها آیه سوم سوره مورد توجه قرار می گیرد، چرا که روایتگر واقعه ایست. «وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» (التحریم: ۳). نسبت «نبی» به پیامبر(ص) به جهت علم غیب ایشان است. نبأ، خبری است که فایده و سود بزرگی دارد، که از آن خیر علم و دانش حاصل میشود و بر ظن و گمان غلبه میکند.



راغب می گوید: «گفتن - خبر به معنی نبأ - درست نیست، مگر آنکه این سه مورد را داشته باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۸۸).

اینکه خطاب به پیامبر(ص)، به عنوان نبی آمده است، از اینروست که پیامبر(ص) از علم الهی بهره مند می باشد و خداوند ایشان را آگاه می نماید، بنابراین سخن ایشان علم حقیقی است و به دور از ظن و گمان است. خداوند رخدادهایی را به پیامبرش(ص) اعلام کرده است. خداوند داستان حضرت یوسف(ع) را برای پیامبر(ص) نقل می کند، می فرماید: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ...» (یوسف: ۱۰) و قصه مریم(س) را بیان می کند و می فرماید: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ...» (آل عمران: ۴۴).

بنابراین، علم پیامبر(ص) از خداوند منشأ می گیرد، لذا آنگاه که همسر ایشان می پرسد: چه کسی تو را خبر داد؟ می فرماید: «نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْحَبِيرُ»؛ دانای آگاه (التحریم: ۳).

واژگان دیگر در این آیه «عَرَفَ» و «أَعْرَضَ» می باشد. که در این آیه برخورد و عدم برخورد با رخداد معنا می گیرد. «عَرَفَ بَعْضَهُ» یعنی پیامبر (ص) حفصه را به بعضی از آنچه فاش کرده بود خبر داد و وی را طلاق گفت. «وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» نشانه عمل به مکارم اخلاق است. آنطور که حسن بصری گوید: هرگز بزرگواری مانند آن بزرگوار یافت نشود، چراکه اعراض قطعاً بعد از معرفت و دانستن است، لکن آن بزرگوار عمل بمکارم اخلاق نموده و به خلق و روش کریمانه خود تغافل ورزید، و به روی مبارک خود نیاورد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۴).

بنابراین واژگان در بخش روایی سوره، حکایت از اعطای علم الهی به نبی(ص) و همچنین اخلاق کریمه ایشان دارد. بعلاوه اعراض ایشان که نحوه دیگر برخورد می باشد.

۷-۱-۱. تحلیل واژگان بخش غیر روایی سوره

بخش غیر روایی سوره شامل سخنان مستقیم به مخاطب می باشد و روایتگری در آن دیده نمی شود. در واژگان این بخش، که بیشتر آیات این سوره را شامل می شود، واژگان «لَمْ تُحَرِّمَ» و «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» خطاب به پیامبر(ص) بیان شده است.

۷-۱-۱-۱. واژگان در خطاب به پیامبر(ص)

آیه اول لحن پرسشگری دارد. «چرا بر خود حرام کردی؟» واژه «لَمْ» تنها در دو آیه نسبت به پیامبر(ص) آمده است: «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَكُمُ حَتَّى يَبَيِّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ» (التوبه: ۴۳)

و «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ...» (التحریم: ۱). در هر دو آیه پیامبر(ص) به خاطر شدت محبت و عفو مورد عتاب قرار می گیرند. مثل اینکه خداوند بفرماید: چرا اینقدر مدارا می کنی؟ آیه ۴۳ سوره توبه عتاب خداوند به جهت پرده پوشی پیامبر(ص) نسبت به منافقین است. مثل اینکه مخاطب باعث شده که حیثیت آنان محفوظ بماند و او روپوش بر روی رسواییهای آنان انداخته باشد. و اینکه فرمود «چرا به ایشان اجازه دادی؟» معنایش این است که اگر اجازه نمی دادی بهتر و زودتر رسوا می شدند (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۲۸۵).

عتاب در آیه «لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» هم در حقیقت متوجه زنان آن حضرت است، نه خود ایشان. جمله «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا...» و نیز جمله «وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ» این معنا را تایید می کند (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۳۳۰). در این میان کرامت پیامبر اکرم(ص) هم مطرح است. نرمی رفتار ایشان به حدی است که برخی همسران از وی می خواهند تا حلالی را بر خود حرام نماید. البته چنین کاری به قرینه آیه ۳۲ سوره اعراف حرام نبوده و فقط کفاره شکستن قسم برای ایشان رقم می خورد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۳۱۰). این عتاب به همین جا ختم نشده و به تهدید ادامه می یابد.

واژه «جاهد» دومین واژه است که در خطاب به رسول خدا(ص) در بخش غیر روایی مطرح است. همانطور که بیان شد امر به جهاد در حالیکه فضای آیات، مربوط به تعامل پیامبر(ص) با همسران است، غریب مینماید. این آیه عینا در سوره توبه تکرار شده است، آنجا که منافقین عمل بسیار زشتی انجام داده و در ضمن عمل کلام زشتی هم به زبان آورده اند و رسول خدا(ص) ایشان را مؤاخذه نموده که چرا چنین گفته اید: «يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَ هُمُومَا لَمْ يَنَالُوا...» (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۳۴۰). در اینجا هم همسران کلامی به زبان آورده اند که دوباره همین آیه تکرار شده است. پس همانطور که پیامبر(ص) با منافقین به خاطر کارشکنی و نقشه های خود امر به غلظت و خشونت شده اند، این دستور در خانه ایشان نیز لازم الاجرا گردیده است. حال این نقشه ها چه بوده و همسران چگونه در پی اجرای آن بوده اند، الله اعلم.

۲-۱-۱. واژگان در خطاب به همسران

در بخش غیر روایی دو آیه مستقیم خطاب به همسران است: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ...» و «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ...». هر دو این جملات لحن تنیدی دارد. رفتار همسران



گونه ای است که خداوند مدارا و صبوری برای پیامبر(ص) را جایز نمی داند. خداوند میتواندست بگوید: صبر کن و از مکر ایشان دلتنگ مشو! «وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» (النحل: ۱۲۷) یا بگوید: صبر کن و برای مدتی از ایشان دوری کن! «وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَفْعَلُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا حَمِيلاً» (المزمل: ۱۰) اما گویی همسران کاری کردند که تنها طلاق راه پیشنهادی است.

اگر خداوند پیامبر(ص) را مخیر به پذیرفتن یا نپذیرفتن همسران نموده است طبق آیه: «تُرْجَىٰ مِنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَ تُؤَىٰ إِلَيْكَ مِنْ تَشَاءُ...» (الاحزاب: ۵۱) امام صادق(ع) ازدواج یا طلاق را به اختیار پیامبر(ص) میدانند و می فرماید: «من آوی فقد نکح و من أرجی فقد طلق» (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۹۲)، اما در اینجا پیشنهاد طلاق ارجح است.

در آیه «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ...» هرچند خداوند صراحتاً امر به طلاق نمی نماید، اما گویی این کلام پس از امر به طلاق واقع شده است. در آیات دیگری که لفظ «عسی» آمده است خداوند امر به کاری نموده و سپس امید می دهد: «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرِّصِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَكْفِكَ بِأَسْرِ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (النساء: ۸۴) به این مضمون که شما قتال کنید، امید است که خداوند بلا و گزند کافران را از شما بگرداند. در واقع ابتدا فعلی باید انجام گردد تا این فرج از جانب خداوند برسد. در اینجا هم گویی امر به طلاق وارد شده و پس از آن سخن از امید فرج است.

واژه «عسی» حکایت از دلداری خداوند به پیامبر(ص) نیز دارد و اینکه پس از ارائه راهکار به ایشان، خداوند وعده فرج و گشایشی برای پیامبر(ص) می دهد و آن جایگزین کردن همسران فعلی با همسرانی نیکو و مؤمنه است.

۳-۷-۱-۱. واژگان در خطاب به کفار

واژه «لَا تَعْتَدُوا» سه بار در قرآن آمده است. «لَا تَعْتَدُوا فَدَعَوْتُكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ...» (التوبه: ۶۶) که خطاب به منافقین است و اعتذار ایشان به جهت استهزاء خدا و آیات و رسول او بوده (از راه بازی و خوض) و حال که خودشان اعتراف دارند، خداوند میفرماید آیا از عمل زشتی که کرده‌اید با یک عمل زشت دیگر که خود کفر به خدا است عذر خواهی می‌کنید؟ (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۳۳۴). بنابراین «لَا تَعْتَدُوا» به جهت اینکه منافقان هرگز پشیمان نبوده اند آمده است.

یکبار دیگر هم در آیه «يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ فُلًا لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ...» (التوبه: ۹۴) آمده است که باز مخاطب همان منافقین و جهت همان عدم پشیمانی است. و بار سوم در این سوره که یا به جهت بزرگی توطئه ای که طرح ریزی کرده اند و یا به جهت اینکه هرگز قصد توبه نخواهند داشت، بیان شده است. و اینکه آیه در این سوره خطاب به کفار است، اشاره‌ای به این حقیقت هست که نافرمانی خدای تعالی و رسول او چه بسا کار آدمی را به کفر بکشاند. (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۳۳۵) بنابراین خطاب خداوند به ایشان در حالیکه به طرح ریزی نقشه های شوم مشغولند و هرگز قصد توبه ندارند و درون خانه پیامبر(ص) راه یافته اند، حکایت از دسیسه هایی دارد که پس از وفات ایشان(ص) ظاهر گردیدند.

۴-۷-۱-۱. واژگان در خطاب به «الذین امنوا»

واژه «قوا... نارا» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» هشدار به حفظ اهل و خانواده از آتشی است که آتشگیره آن مردم و سنگها هستند. معرفی دقیق آتش و ملائکه موکل بر آن که به غلظت و شدت ملزم اند، هشدار را به کاملترین وجه می رساند. لفظ «مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ» در وصف فرشتگان تنها در این آیه آمده است. چه بسا از همان ملائکه ای که یاریگر پیامبر(ص) در آیه چهارم همین سوره معرفی شده بودند یک دسته موکل بر آتشند. غلظت، ویژگی پیامبر(ص) در برخورد با منافقین هم هست. اما آیا این هشدار متوجه مؤمنان حقیقی است؟ آیات قرآن معمولاً لفظ «الذین امنوا» را وقتی بکار میبرد که مؤمن و منافق یکسره مورد خطاب قرار گرفته باشند. واژه «تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا» نیز این مهم را تأیید می کند. توبه ای نصح که در دیگر آیات نیامده است. این بدان معناست که هرگونه همکاری با این همسران عقوبتی سخت خواهد داشت.

در مجموع در بخش غیر روایی این سوره، واژگان در خطاب به پیامبر(ص)، حکایت از امر به غلظت و شدت با منافقانی که تا آن زمان با رفتار کریمانه پیامبر(ص) روبرو بودند و اکنون کفرشان علنی شده است، دارد. نیز واژه «لا تعتذروا» در برابر این کافران نشان از عدم پذیرش هیچ عذری از ایشان به جهت عدم پشیمانی دارد و واژگان «قوا انفسکم» و «توبوا الی الله» حکایت از امر به حفاظت از خود و خانواده خود در برابر این توطئه و امر به بازگشت به سوی خداوند دارد. همچنین واژگان «ان تتوبا ... فقد صغت قلوبکم» و «عسی ربه ان طلقکن» جای هرگونه



مدارا با همسران را منتفی می داند. این نشانه ها احتمال همدستی برخی همسران پیامبر(ص) با منافقان توطئه گر را بیشتر می گرداند. همسرانی که باید دست از همکاری با منافقان بردارند و توبه ای نصوص بنمایند.

۲-۱. تحلیل توصیفی ساختار جملات سوره

پس از واژگان، جملات و ساختار دستوری متن از دیگر مؤلفه های تحلیل گفتمان در سطح توصیف است. بنابراین ساختار یک جمله به مثابه یک انتخاب، مورد واکاوی قرار می گیرد. به این صورت که ساختار یک جمله مشخص از یک متن معین با سایر ساختارهای فرضی که می توانست همان مفهوم را منتقل سازد، مقایسه می شود تا آشکار گردد چرا این متن، این ساختار مشخص را بر سایر ساختارهای ممکن ترجیح داده است.

۲-۱-۱. آیه ۱ و ۲

در آیات ابتدایی بدون هیچ مقدمه ای خداوند این سؤال را مطرح می نماید: چرا بر خود حرام کردی؟ «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». در اینجا، خطاب خداوند به پیامبر(ص) نیست و آیه به جهت خطاب غیر مستقیم نسبت به همسران پیامبر(ص)، لحن عتاب و نکوهش دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۳۳۲). پس مفهوم آیه می تواند چنین باشد: ای همسران چرا چنین کردید؟ از طرفی آیه، به جهت بیان کفاره شکستن قسم، «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ» و لفظ «غفور و رحیم» تأیید این معناست که خداوند آمرزنده پیامبر(ص) است.

اگر درخواست این همسران به جهت حسادت زنانه، نرفتن پیامبر(ص) به سوی یکی از همسرانش بوده، خداوند آن را حلال شمرده و می فرماید: «تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ مَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ...» (الاحزاب: ۵۱) پس رفتار پیامبر(ص) به فرمان الهی بوده است و ملامتی بر ایشان(ص) نیست. آن جناب می تواند اصلاً وقت خود را در بین همسران تقسیم نکند، و مقید نسازد که هر شب به خانه یکی برود، و به فرضی هم که تقسیم کرد، می تواند این تقسیم را به هم بزند، و یا نوبت کسی را که مؤخر است مقدم، و آن کس را که مقدم است مؤخر کند، و یا آنکه اصلاً با یکی از همسران متارکه کند، و قسمتی به او ندهد، و یا اگر متارکه کرده، دو باره او را به خود نزدیک کند... (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۶، ص ۳۳۶) رضایت نسبت

به فعل پیامبر (ص) نشانه ایمان است: «فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (النساء: ۶۵).

شرط ایمان تنها گفتن شهادتین نیست بلکه رضایت به فعل حلالی است که پیامبر (ص) انجام می دهد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴) اما برخی همسران پیامبر (ص) از انجام فعل حلال، ناخشنود شده و ترک آن را از پیامبر (ص) درخواست نموده اند. در صورتی که برای پیامبر (ص) در آنچه خداوند فرض نموده حرجی نیست (الاحزاب: ۳۸).

۲-۱- آیه ۳

همانطور که اشاره شد موضوع عتاب همسران در این سوره به جهت شدت عتاب و امر به جهاد و دلایل دیگری که بیان شد، تنها یک مسأله حسادت زنانه نمی باشد. در بخش روایی این سوره اشاره شد، واژه ی «اذ» در آیه «وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأُكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْحَبِيرُ» به معنای امر به یادآوری از واقعه ایست که مخاطب آن جامعه مسلمین است. خداوند خبر از رازی می دهد که همسران پیامبر (ص) آن را افشا می کنند، آنگاه که ایشان را متذکر می نماید با این سؤال مواجه می گردد: چه کسی تو را خبر داد؟! چنین خبری برای عموم مسلمانان چه دلیلی می تواند داشته باشد؟

این بخش داستان، روایتی از باور و اعتقاد این زنان نیز هست. چرا که جهان بینی توحیدی در رفتار و گفتار افراد هویدا است. ایمان به خداوند دانا و آگاه، موجب پرهیز مؤمن در خفا از ارتکاب معاصی است. خداوند در قرآن می فرماید: «قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعَلِّمُهُ اللَّهُ وَ يُعَلِّمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۹) اما منافقین چنین نمی اندیشند. ایشان خداوند را ناظر اعمال نمی دانند: «يَسْتَحْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَ لَا يَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَ هُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا» (النساء: ۱۰۸) از مردم پنهان می دارند و از خدا پنهان نمی دارند، و چون شبانگاه به چاره اندیشی می پردازند و سخنانی می گویند که وی [بدان] خشنود نیست. خدا با آنهاست و او به هر چه می کنند احاطه دارد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۳۲). علامه طباطبایی در این زمینه می فرماید:

«تقیید به این دو قید یعنی قید «وَ هُوَ مَعَهُمْ...» و قید «وَ كَانَ اللَّهُ...» در حقیقت تقیید به عام بعد از تقیید به خاص است. این مطلب در حقیقت



تعلیل است برای اینکه خیانت‌کاران مورد نظر از خدا شرم نمی‌کنند»

(طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ص ۷۴).

برخی همسران پیامبر(ص)، خداوند را به عنوان علیم و خبیر نمی‌شناسند و آنگاه که پیامبر(ص) از عملی که انجام داده اند به ایشان خبر می‌دهد با تعجب می‌پرسند: چه کسی تورا آگاه کرد؟ در واقع این افراد به عالم بودن خداوند در هر جا و هر زمان اعتقادی ندارند. و خداوند با بیان چنین ماجرای به معرفی اندیشه ایشان پرداخته است.

۳-۲-۱. آیه ۴

آیه چهارم ساختاری عجیب دارد که نشان از عدم توبه همسران و جبهه‌گیری خداوند و برترین هایش در برابر این همسران است: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (التحریم: ۴). آیه می‌توانست مستقیماً به این همسران امر به توبه کند (بدون «ان» شرطیه)، یا می‌توانست وعده امید بخشی را فراروی این افراد قرار دهد؛ همچون آیات «... تَمُّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى...» (هود: ۳) یا «... تَمُّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (هود: ۵۲) یا آمرزش و مغفرت الهی را به ایشان یاد آور شود همچون: «... تَمُّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» (هود: ۶۱) ولی هیچکدام از این موارد رخ نداده، بلکه ساختار جمله به گونه ای است که گویی امیدی به توبه ایشان وجود ندارد؛ چرا که میفرماید: اگر توبه کنید، دل‌های شما منحرف گشته است! نه «اگر توبه کنید خداوند را آمرزنده خواهید یافت».

بعلاوه واژه «قد» خبر از انحراف قطعی قلوب ایشان می‌دهد. برخی گفته‌اند: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» مانند این است که کسی بگوید: اگر از کسی که ... پیروی کنی، به من جفا کردی ... این نشان می‌دهد که جواب شرط در آیه معنای منفی دارد. اگر توبه کنید و البته نمی‌کنید، دل‌های شما به گناه مایل گشته است ... (طوسی، ۱۳۴۱ق، ج ۱۰، ص ۴۷).

در جمله دوم «وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ» جزای شرط بسیار مهم جلوه می‌نماید، چرا که خداوند بلافاصله نام خویش را می‌آورد «فان الله مولا...» نه اینکه بگوید: «فان مولا الله» و اینچنین خودش را حامی رسولش معرفی می‌نماید. همین جمله برای نشان دادن حمایت الهی کافی به نظر می‌رسد ولی خداوند در ادامه حامیان دیگری را معرفی می‌نماید که این حمایت را همه جانبه از نیروهای زمینی (صالح المؤمنین) و آسمانی (جبرئیل) نشان بدهد. در واقع با این ساختار آیات، نه تنها عذری برای همسران پذیرفتنی نیست، بلکه خبر از توبه ای می‌دهد که هیچگاه انجام

نخواهد شد! چرا که پس از بیان اگر توبه کنید، به طرفداری خداوند از رسولش پرداخته است مثل اینکه بگویی اگر عذرخواهی نکنی، معلم و مدیر و پدر و مادرت همه در برابر تو ایستاده اند!

۴-۲-۱. آیه ۵

ساختار آیه پنجم دلداری و امید دادن است: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنْ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مِثْلًا مِمَّا تَرْضَىٰ فَأَنْتَ بِالْمَالِكِ» (عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنْ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مِثْلًا مِمَّا تَرْضَىٰ مَعْرُوفًا). خداوند راه گشایشی به پیامبر (ص) معرفی می نماید و این نشانه امید دادن است. بعلاوه همسران را شایسته رجوع نمی شمارد و تبدیل ایشان به زنانی مؤمن را پیشنهاد می دهد. در این آیه خداوند به پیامبر (ص) اذن طلاق ایشان را داده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۳۲۳).

۵-۲-۱. آیه ۶ و ۷

این آیات ساختار امر و نهی دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ». این امر و نهی از جنس لطف و رحمت، همچون امر به نماز (أَقِمِ الصَّلَاةَ) یا نهی از زنا (وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَةَ) نیست، بلکه از جنس قهر الهی است چرا که پس از امر به حفظ خانواده، تهدید به آتش دارد و پس از بیان نپذیرفتن عذر کافران تهدید به مجازات (... إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (التحریم: ۷). عبارت آتشگیره در یک جای دیگر هم بیان شده است: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (البقره: ۲۴). در این آیه، نار با این اوصاف برای کافرین مهیا گردیده است. در آیه ۶ سوره تحریم برای خانواده ای که از روی نفاق در توطئه ای بزرگ شرکت کرده اند. بنابراین چنین آتشی در انتظار هر دو گروه منافقین و کافرین می باشد. خداوند جایگاه مشترکی را برای منافقین و کفار معرفی می نماید. «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (النساء: ۱۴۰) و «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ يَجِدَهُمْ نَصِيرًا» (النساء: ۱۴۵).

۶-۲-۱. آیه ۸

آیه هشتم برای مؤمنان امید بخش است. امید به پوشاندن گناهان و ورود به بهشت؛ اما این وعده در صورت توبه نصوح صورت می پذیرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ



يُكَفِّرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُجْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا لَنَا نُورٌ وَ غَفِرَ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (التحریم: ۸). وصف بهشت نیز در این آیه بسیار دقیق بیان شده است. نبی(ص) و آنانکه در معیت اویند، نوری دارند که از خداوند اتمام آن را طلب می نمایند. این مطلب یادآور آیه ای دیگر است که می فرماید: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ» (الحديد: ۱۳). واژه «المنافقات» در کنار «المنافقون» نشان از حضور جدی زنان منافق دارد. منافقانی که اگر توبه نصح نمایند داخل در بهشت نخواهند شد.

۷-۲-۱. آیه ۹

آیه نهم که می فرماید: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مُؤَاهَمِ جَهَنَّمَ وَ بئسَ الْمَصِيرُ» حکم به جهاد پس از تهدید به توبه دارد که نشان می دهد ایشان دست بردار نبوده و به کار ناپسند خویش ادامه می دادند. ایشان بارها اخطار داده شده بودند (الأحزاب: ۶۰، ۶۱) اما دست از توطئه برنداشتند و آشکارا به توطئه و دشمنی با پیامبر(ص) برخاسته اند. در این آیه سخن از غلظت داشتن در برابر منافقین است، با وجودی که قبل از این پیامبر(ص) با ایشان با کرامت و اغماض رفتار می نمود، تا آنجا که خداوند درباره ایشان فرمود: «يَخَذِرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَخِرُوا إِنْ أَلَّ اللَّهُ مُخْرِجًا مَا تَخَذِرُونَ» (التوبه: ۶۴).

۸-۲-۱. آیه ۱۰

این آیه ساختار خبری دارد و ضرب مثلی است برای کافران: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْعًا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ» (التحریم: ۱۰). باید توجه داشت که هدف از ضرب مثل اتمام حجت است (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۲، ص ۱۲۲) و اینکه عبرت بگیرند و موعظه شوند و نیز خداوند بر اعاده این امثال قادر است همانطور که بر انشاء و ایجاد آن قادر بود (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۴۹۴).

دو همسر ناشایست برای دو پیامبر الهی هشدار می دهد برای همسرانی که میل به باطل در قلوبشان جریان دارد و اخطاری به ایشان دارد که با توجه به اینکه در خانه پیامبر الهی و در جوار رحمت حق هستند، با قدر ناشناسی چنین نعمتی را کفران می نمایند. خداوند برای هشدار خیانت و توطئه از سوی برخی همسران پیامبر(ص) مثالی از زندگی انبیاء پیشین می زند. وقتی

خداوند چنین مثلی می زند به این معناست که نظیر همین، برای پیامبر(ص) نیز وجود دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۳۳۵). در زندگی پیامبر(ع) هم همسرانی بوده اند که خیانت پیشه کردند و حتی دچار عذاب گردیدند.

ابن عباس می گوید خیانت همسر لوط(ع) این بود که حضور مهمانان نبی خدا را به قومش خبر داد (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۴۵). در واقع او نیز سرّ نبی خدا را فاش نموده و با قومش همدست بود لذا به عذاب الهی گرفتار آمد. بعلاوه مؤید قومش بود بر ضد لوط(ع) گشت (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۴۶؛ طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۵۹).

خداوند زن لوط را از «غابرین» می شناسد که در اینجا کنایه از هلاکت است، یعنی همسر او هم جزو از بین رفتگان است. چرا که در خط تمرد بر خدا و رسولش سیر کرد و پیمان همسری با پیامبر الهی نتوانست نفعی به او برساند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۱۶۹). اما حسن و قتاده می گویند یعنی وی از کسانی بود که در عذاب خداوند باقی ماند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۶۸۵). شیخ طوسی هم تأیید می کند که اگر معنای غابرین باقی ماندگان باشد، باید گفت معنایش این است که در عذاب مخلد است.

خیانت همسران پیامبر(ص) نیز مطلع نمودن کفار و منافقین از سرّ پیامبر(ص) و همکاری نمودن با قوم علیه ایشان(ص) است (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۵۹). وقتی خداوند چنین مثلی می زند به این معناست که نظیر همین، برای پیامبر(ص) نیز وجود دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۳۳۵). ابن شهر آشوب می گوید:

«برخی خبیثات را می یابیم که برای طیبین بوده اند، همچون زن نوح(ع) و زن لوط(ع) که تحت کفالت عباد صالح خداوند بودند و برخی طیبین را می یابیم که برای خبیثین بوده اند همچون آسیه زن فرعون ... همین حکم در مورد فرزندان ایشان نیز جاریست!...» (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ج ۱، ص ۲۰۵).

۹-۲-۱. آیه ۱۱ و ۱۲

در آیات یازدهم و دوازدهم دو مثال بیان شده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِينِ». این مثالها به



همسران پیامبر(ص) میفهماند که اگر ایمان باشد، خانه کوچک پیامبر(ص) برایشان همچون خانه ای است که آسیه درخواست آن را از خداوند داشت و آن خانه ای نزد خداوند در بهشت است. خداوند آسیه را الگویی برای مؤمنین می شناسد، چرا که ایشان به مطامع دنیا نظری ندارند و حتی به زندگی در کاخ فرعون و قعی نمی نهند. و اینچنین جلوی بهانه جویی برخی همسران پیامبر(ص) گرفته میشود.

همچنین ایمان است که مریم، بدون همسر، پاکدامنی خویش را حفظ می کند و اسوه برای زنان عالم می گردد. چه بسا اگر ایمان می بود خداوند فرزندی هم به ایشان می داد همچنان که مریم(س) که «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» در موردش بیان شده صاحب فرزند گردید. خداوند مریم را نیز از میان مؤمنین به عنوان الگویی معرفی نموده و به کنایه، پاکدامنی او را یاد آور می شود و عفت او را سبب حفظ روحیه ایمانی اش برمی شمرد. در واقع ایمان و ازدواج با پیامبر الهی دو مقوله کاملاً مستقل است و همپوشانی با یکدیگر ندارد. بعلاوه با ازدواج و برگزیدن همسری مؤمن، قرب الهی حاصل نمی گردد چرا که کسانی که از ازدواج محروم بوده اند نیز می توانند مؤمن و پاکدامن باشند و در قرب الهی بمانند. علامه فضل الله می گوید: اینچنین مثلی در طهارت و ایمان و تصدیق به رسالت الهی برای مردم باقی می ماند تا نمونه باشد برای هرکس بخواهد در قرب الهی زندگی نماید (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲، ص ۳۳۱).

۳-۱. نشانه شناسی ساختار کلان سوره

اکنون باید یافته های حاصله را در سطح توصیف، مورد تحلیل نشانه شناختی قرار دهیم تا لایه جهان شمول حاکم در لایه ژرف متن روشن گردد. همانطور که در سطح توصیف روشن گردید، سوره به دنبال بیان تقابل دو گروه است. گروه اول: برخی همسران پیامبر(ص) و منافقین و کفاری که به ایشان خط فکری می دهند و گروه دوم پشتیبانان پیامبر(ص): خداوند و جبرئیل و صالح المؤمنین.

نقش همسران نیز در رابطه تکمیلی با توطئه های منافقان معنا می یابند و خداوند و جبرئیل و صالح المؤمنین در رابطه تکمیلی با یاری پیامبر(ص) معنایی را می سازند که نشانه های ظاهری (واژگان) بر آنان سوار می شوند. بنابراین، سوره در مقام بیان دو جبهه کفر و ایمان در برابر هم است. خداوند و ایادی او در برابر منافقینی که علیه پیامبر(ص) پنهانی توطئه نموده و درون خانه پیامبر(ص) زندگی می کنند.

۲. تحلیل سوره در سطح تفسیر

فرکلاف در سطح تفسیر معتقد است که ویژگیهای صوری متن به طور مستقیم نمی تواند راهگشای تأثیرات ساختاری بر جامعه باشد چرا که نوع ارتباط متن با گفتارهای اجتماعی، رابطه غیر مستقیم دارد. فرکلاف سطح تفسیر را ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر می داند و مقصود از ذهنیت مفسر را دانش زمینه ای می داند که مفسر در تفسیر متن به کار می گیرد. بنابراین فرکلاف، در سطح تفسیر به بافت موقعیتی متن و بینامتنیت توجه دارد (فرکلاف، ص ۲۱۵).

سطح تفسیر، مرحله ای ژرف تر از سطوح آشکار و ملموس متن است که در مرحله توصیف مدنظر بود و به گونه ای کشف و پرده برداری از زوایای پنهان معانی است که نشانه های متنی از بافت جامعه، زمان، مکان و فرهنگ به دنبال خود دارد. همچنین در این مرحله می توان با تطبیق نشانه های متنی در مرحله توصیف و تحلیل آنها در بینامتنیت و بافت، روند معناسازی از نشانه های اجتماعی تا تبدیل این نشانه ها به معانی جدید را مشخص نمود. آنچه امروز به معنای بافت شناخته شده و در شناخت بهتر متن نیاز است همان اسباب نزول و شأن نزول در فرهنگ مسلمانان است (الهیان، ۱۳۹۱ش، ص ۳۶).

بنابراین در مرحله تفسیر، روابط اجتماعی مدنظر است. رابطه پیامبر(ص) با همسرانش چگونه بوده، سؤالی است که با مراجعه به تاریخ می توان پاسخ آن را یافت. ام المؤمنین بودن در عصر پیامبر(ص) همچون صحابه بودن شرافتی بود که برخی همسران تا سالها بعد به جهت این شرافت از بیت المال حقوق دریافت می کردند. اما آیا حرمت آن را نگه می داشتند، سؤالی است که باید پاسخ داده شود.

همانطور که برخی اصحاب پیامبر(ص) از ورای خانه هایشان بدون رعایت ادب، ایشان را صدا می زدند و خداوند ایشان را مذمت نموده و اکثریتشان را کسانی می داند که تعقل نمی ورزند. (الحجرات: ۲) همانگونه نیز برخی از همسران پیامبر(ص)، شرافت ام المؤمنین بودن را پاس نداشته اند و با وجود همجواری با پیامبر(ص) از ایمان بهره ای نبرده اند. زمخشری همسران پیامبر(ص) را اگر طلاق داده شوند، شایسته ام المؤمنینی نمی داند و می گوید: اگر بررسی چگونه است که از امهات المؤمنین بهتر یافت شود؟ می گویم اگر پیامبر(ص) ایشان را به جهت



عصیان و اذیتشان طلاق دهد، بر این صفت (ام المؤمنین بودن) باقی نخواهند ماند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۶۷).

اما اذیت همسران، نسبت به پیامبر(ص) در سوره احزاب چندین بار اشاره شده است. نمونه ای از اذیت ایشان خودداری از رغبت به پیامبر(ص) بوده است. روایات نشان می دهد برخی از ایشان با همدستی با یکدیگر از مؤانست با پیامبر(ص) پرهیز می کردند و اگر هم زنی خود را به پیامبر(ص) هبه می کرد او را مورد نکوهش قرار می دادند. برای تبیین این موضوع، روایتی را ذیل آیه ۵۰ سوره احزاب می آوریم:

«زنی از انصار خواست که خود را به پیامبر(ص) هبه کند، عایشه به او گفت: خدا تو را زشت گرداند! چه بی حیا! آنگاه پیامبر(ص) فرمود: ساکت باش. او به رسول خدا رغبت کرد در حالی که شما از او دوری کردید! آنگاه به آن زن فرمود: بازگرد خدا رحمت بر تو نازل گرداند و سپس آیه «وَ امْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ اِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ...» نازل شد» (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۹۵).

در این روایت واژه «رَهْدَتْهُنَّ فِيْهِ» نشانگر رفتار ناشایست بیش از یک نفر از همسران است. در مجمع البیان اینگونه نوشته شده است که عایشه گفت: «زنان را چه شده که خود را بدون مهر می بخشند؟» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۳۶۵) و در کافی روایت اینگونه است که آن زن را حفصه دانسته اند که گفت: «چقدر حیای تو کم است، و چقدر پر رو و بی اختیاری در مقابل مردان» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۸).

نمونه دیگر از اذیت کردن پیامبر(ص)، قصد برخی صحابه مبنی بر ازدواج با برخی همسران ایشان(ص) است. تا جاییکه طلحه صراحتاً بیان می کرد که: «محمد زنانش را بر ما حرام می کند و زنان ما را به عقد خویش در می آورد! اگر بمیرد چنین و چنان می کنم». آنگاه آیه نازل شد: «وَ مَا كَانَ لَكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَ لَا اَنْ تَنْكِحُوْا اَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ اَبْدًا اِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيْمًا» (الاحزاب: ۵۳)

برخی گفته اند این اذیت به جهت نحوه حجاب نادرستی بود که برخی همسران پیامبر(ص) داشته و این امر، موجب قصد ناصحیح طلحه و دیگران می گردید. لذا خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِيْنَ يُدْنِيْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ...» (الاحزاب: ۵۹)

نکته دیگر ناسازگاری برخی همسران پیامبر(ص) به جهت ساده زیستی ایشان بوده است. برخی همسران پیامبر(ص) به دنیا و زیور دنیا علاقه زیادی داشتند، به طوری که خداوند می‌فرماید: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرَحُكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً» (الاحزاب: ۲۸). ایشان از زندگی ساده رسول خدا نالان بودند تا آنجا که خاطر ایشان را مکرر می‌ساختند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۶).

امیرالمؤمنین(ع) در توصیف رفتار پیامبر(ص) می‌فرماید: آنگاه که در خانه یکی از همسرانش، پرده ای مصور بر خانه آویزان می‌بیند، می‌فرماید: «آن را از چشم من پنهان کن که با دیدن آن دنیا و زیور آن را یادآور می‌شوم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۸). به نظر می‌آید که نقش این پرده تصویری از طبیعت نبوده، بلکه تمثالی از انسانها برآن بوده زیرا از عایشه نقل شده که وقتی پیامبر(ص) از سفر بازگشت، من در خانه ام پرده ای آویخته بودم که بر آن تمثیل بود؛ پس ایشان امر کرد آن را ببندازم (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۶۸).

اما خصلتهای برخی همسران تنها به این موارد ختم نمی‌شود. خیانت و دشمنی با پیامبر(ص) ویژگی دیگری بود که ایشان داشتند. توطئه علیه پیامبر(ص)، پرده از خصلت دیگری در مورد این همسران برمی‌دارد که آن خیانت به همسر است. چرا که سرّی را که پیامبر(ص) نزدشان به امانت نهاده بود، فاش نمودند. خداوند می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الانفال: ۲). افشاء سرّ پیامبر(ص) خیانت به ایشان محسوب می‌شود. خیانتی که توبه نصوحی را در پس آن واجب نموده است. سبب این دشمنی، عدم ایمان است. دشمنی بعضی از همسران مؤمنین بدان جهت است که شوهرانشان ایمان دارند، و عداوت به خاطر ایمان جز این نمی‌تواند علت داشته باشد که این زنان بی‌ایمان می‌خواهند شوهران خود را از اصل ایمان، و یا از اعمال صالحه‌ای که مقتضای ایمان است، از قبیل انفاق در راه خدا و هجرت از دار الکفر، برگردانند و منصرف کنند، و شوهران زیر بار نمی‌روند، قهرا زنان با آنان دشمنی می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۳۰۷).

هرچند پیامبر(ص) بر همه آزار و اذیتها صبر کرد و با ایشان مدارا نمود اما در نهایت، همکاری با منافقین و توطئه علیه پیامبر(ص) به جایی می‌رسد که خداوند با لحن دلداری ایشان را خطاب قرار داده و می‌فرماید: اگر طلاقشان دهی خداوند بهتر از ایشان را برایت جایگزین خواهد کرد.



مسأله صلح بین زن و شوهر همیشه از منظر قرآن مورد اهمیت بوده است (ر.ک: النساء: ۱۲۸). خداوند به شوهران می فرماید: «...وَ إِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا» (النساء: ۱۲۹) با این وجود خداوند در این امر به پیامبر(ص) صلح را پیشنهاد نمی دهد. طلاق نیز در جامعه امری مکروه شمرده می شود و در قرآن هم در مورد طلاق با نهایت احتیاط سخن گفته شده است و حکم رجوع را با شرایطی بیان نموده است و می فرماید: «...و بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا...». اگر بعد از طلاق، اراده رجوع نمودید، همسران اولی هستند (البقره: ۲۲۸) اما در این آیه حتی توبه را به عنوان راهی جهت رجوع روا نمی داند.

ایشان(ص) همواره دو اصل عدالت و عفو را در برابر همسران اجرا می نمود. طبیعتاً عدل به این معنا نیست که ایشان(ص) از جهت عاطفی یکسان دوست بدارند چرا که برای انسان مقدور نیست و خداوند تکلیف مالا یطاق نمی کند، بلکه قضیه عدل، همان رفتار عملی در زندگی است (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۴۹۲). هر چند خداوند ارتباط با همسران، را برای پیامبر(ص) به خواست ایشان محول نموده است و از همسران ایشان می خواهد به آنچه از نوبت به ایشان داده شده راضی باشند (الاحزاب: ۵۱) اما با این وجود، پیامبر گرامی عدالت در رفتار را در تعامل با همسرانشان برگزیده بودند (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ص ۱۰۲).

نرمی رفتار پیامبر(ص) به حدی بود تا از ایشان(ص) بخواهند که حلال خداوند را برای خود حرام کند. البته پیامبر اکرم(ص) هم همچون حضرت یعقوب(ع) چنین میکنند. (آل عمران: ۹۳) و چنین کاری به قرینه آیه ۳۲ سوره اعراف حرام نبوده است و فقط کفاره شکستن قسم برای ایشان رقم می خورد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۳۱۰).

علاوه بر این پیامبر(ص) با صفح برخورد می نمودند. معنای اضافی که در صفح هست، عبارتست از: روی خوش نشان دادن. یعنی علاوه بر عفو، با روی خوش با این همسران روبرو می شدند! (التغابن: ۱۴). اگر این زنان اهل ایمان بودند، خداوند استغفار را به ایشان پیشنهاد می نمود و می فرمود: «... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (نوح: ۱۰) آیا نمی شد این همسران برای طلب استغفار نزد پیامبر(ص) بیایند تا برایشان استغفار نماید؟ چنانکه در جایی دیگر گفته شده: «... وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (النساء: ۶۴).

بنابراین در سطح بیان تفسیر، توطئه ای که منافقان توسط ایادی خود در خانه پیامبر(ص) داشتند رو به عملی شدن بود و همسران نه تنها توبه نکردند بلکه به انحاء مختلف پیامبر(ص)

را مورد آزار قرار می دادند. این توطئه نه در سطح خانه پیامبر(ص) که در سطح جامعه تأثیر گذار بود.

۳. تحلیل سوره در سطح تبیین

تبیین گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است و به عنوان کنش اجتماع توصیف میشود و نشان می دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می بخشند. همچنین چه تأثیراتی می توانند بر آن ساختارها بگذارند (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ص ۲۴۵). در حقیقت سطح تبیین به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات موجود در آن زبان برای تولید متن، در ارتباط با عوامل جامعه شناختی، تاریخی، ایدئولوژی و بافت فرهنگی اجتماعی می پردازد (آفاگل زاده، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۹). این مرحله در مقایسه با دو مرحله قبل در مرتبه ای ژرف تر قرار دارد چرا که زوایای کاملاً پنهان علت تولید متن را نمایان می سازد. پیش از این بیان شد که دسیسه ای توسط همسران پیامبر(ص) در شرف انجام بود. اما چرا اجتماع باید از این دسیسه آگاه شود؟ پیامبر اکرم(ص) در روزهای پایانی عمر، فرمان داد همه مهاجرین و حتی انصار در سپاه اسامه حاضر شوند. بیماری ایشان هر لحظه شدت می یافت و در خانه ام سلمه بستری بودند که عایشه به آنجا آمده و از ام سلمه تقاضا کرد تا پیامبر(ص) را برای پرستاری به خانه او انتقال دهند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۲).

علامه عسگری در این باره می نویسد:

«به راستی چه عاملی باعث شد که عایشه پیامبر(ص) را به خانه خود انتقال دهد؟ آیا ام سلمه که پیامبر(ص) درباره او فرموده بود: «تواز خوبان و نیکان هستی» توانایی مراقبت از پیامبر(ص) را نداشت؟ آیا دلسوزی و محبت عایشه از ام سلمه بیشتر بود؟ یا شاید او می خواست در روزهای پایانی عمر پیامبر(ص) از نزدیک اوضاع و احوال ایشان را کنترل نماید؟ یا نقشه به قدرت رسانیدن پدرش را در سر می پروراند؟ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۱۹۷) به راستی چرا پیامبر(ص) درباره عایشه و حفصه فرمود: «إنکن صواحبُ یوسف» (طبری، ۱۳۵۲ش، ج ۳، ص ۶۴) یعنی شما همانند زنان اطراف یوسف هستید که باعث زندان افتادن او شدند...» (عسگری، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰).

پیامبر(ص) در آخرین لحظات عمر، قلم و کاغذ طلب می کند تا نسخه هدایت ابدی را بر جای گذارد اما توطئه گران از این کار مانع می گردند. جامعه آگاه می توانست با حمایت از پیامبر(ص) موجب ناکامی منافقین گردد. آگاهی که زمینه آن، چندی قبل، با نزول این سوره پدید آمده بود. بنابراین تولید چنین متنی می توانست به ایجاد روحیه حمایت از پیامبر(ص) منجر شود. بعلاوه این متن برای روزهای آینده نیز چاره ساز خواهد بود. مسلمانان خواهند دانست اگر روزی همسر رسول خدا در یکطرف و در طرف دیگر صالح المؤمنین(ع) قرار گرفت چه کنند؟ لذا به حیرت نیفتاده و بتوانند حق و باطل را از هم تشخیص دهند. این حیرت بین مسلمانان همواره بوده است تا جاییکه حارث بن حوط از امیر المؤمنین(ع) در این باره می پرسد و ایشان پاسخ تاریخی خود را به او می دهند: «إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يُعْرَفَانِ بِالنَّاسِ وَ لَكِنَّ اعْرِفِ الْحَقَّ بِاتِّبَاعِ مَنَابِعِهِ وَ الْبَاطِلَ بِاجْتِنَابِ مَنْ اجْتَنَبَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۳۲، ص ۲۲۸).

نتایج تحقیق

با روش تحلیل گفتمان می توان سوره تحریم را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین توضیح داد:

۱- در سطح توصیف بیان شد که کلمات در این سوره حکایت از عتاب شدید خداوند نسبت به همسران دارد، چرا که ایشان به توبه میلی نداشته و قلوبشان مشتاق ادامه راه خطایشان است. همچنین کلمات «مولی» و «ظہیر» نشان از حمایت همه جانبه پروردگار در برابر ایشان است.

۲- سطح تفسیر حکایت از توطئه برخی همسران با منافقین و خیانت ایشان به پیامبر(ص) دارد و امر به توبه نصوح و حفظ از آتش مطرح میگردد. در این سطح، رفتارهای برخی همسران روشن گردیده و تبعیت ایشان از منافقین مبرهن می باشد. همسرانی که به نور ایمان هدایت نشده و درون خانه پیامبر(ص) نیز به توطئه علیه ایشان مشغول بودند. با توجه به رفتار نرم و پر عطف پیامبر(ص) و اصلاح ناپذیری ایشان، خداوند طلاق را پیشنهاد نموده و امید همسرانی مؤمن را به وی می دهد. در ادامه توبه نصوح را که امر الهی به این افراد است انجام شدنی ندانسته چرا که قلوبشان به باطل گرایش دارد.

۳- در سطح تبیین روشن می شود که جامعه در برابر ایشان چگونه باید موضع بگیرد و اگر به توطئه و مبارزه علنی پرداختند چطور در برابرشان مقاومت (جهاد) نماید.

برای کسانی که ازدواج با پیامبر(ص) را فضیلتی فسخ نشدنی می دانند، مثل همسر لوط(ص) و همسر نوح(ع) را می زند تا روشن کند با ازدواج با فردی صالح، (حتی از انبیاء الهی) ایمان به دست نیامده و از عذاب الهی هم مصون نخواهد بود. چه بسا فردی در خانه پیامبر الهی بوده و در کفر بماند و به آتشی که آتشگیره اش چه و چه هستند عذاب گردد و چه بسا فردی بدون همسر در جوار قرب الهی جای گیرد. در ادامه یاد آور می شود که اهل ایمان خانه کوچک پیامبر(ص) را با تمام سادگی اش همچون بهشت دوست می دارند و چشم از مطامع دنیا می بندند و دیگران با وجود حضور در این خانه به دنبال پیروی از منافقانند.

کتاب نامه:

قرآن کریم.

آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۸۵ش)، *تحلیل گفتمان انتقادی، تکوین تحلیل گفتمان در زیان‌شناسی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

الهیان، لیلا، (۱۳۹۱ش)، «بررسی اهمیت بافت در پژوهش‌های ادبی»، *پژوهش‌های ادبی*، شماره ۱۴.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۶۹ق)، *مشابه القرآن*، قم: دار بیدار للنشر.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت: موسسه التاریخ.

ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۰ق)، *الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف*، قم: نشر خیام.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید، (۱۴۰۴ق)، *شرح نهج البلاغه*، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.

بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ق)، *صحیح بخاری*، لبنان: دار طوق النجاة.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بهرام پور، شعبانعلی، (۱۳۷۹ش)، *تحلیل انتقادی تحلیل گفتمان*، تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه.

جانی پور، محمد، (۱۳۹۰ش)، *اخلاق در جنگ: تحلیل محتوای مکاتبات امام علی(ع) و معاویه*،

تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

حسینی فاطمی، سیدعلی، (۱۳۸۵ش)، «نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود درباره افشای راز پیامبر(ص)

در آیات ابتدایی سوره تحریم»، *مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، شماره ۱۱، صص ۱۱۳-۱۳۰.

خامه گر، محمد، (۱۴۰۰ش)، «ساختار و غرض سوره تحریم، کشف استدلالی با رویکرد جامع»، *پژوهش*

نامه نقد آراء تفسیری، شماره ۴، صص ۷۰-۹۷.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت: دارالقلم.
- رجب زاده، شیرین؛ اخوان مقدم، زهره، (۱۳۹۹ش)، «پیوند معنایی آیات هر سوره بر محور غرض سوره با تأکید بر سوره تحریم»، *مطالعات قرآن و حدیث سفینه*، شماره ۶۹، صص ۱۳۳-۱۵۳.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- سلطانی، سیدعلی اصغر، (۱۳۸۴ش)، *قدرت گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشرنی.
- شالی، محمدرضا، (۱۳۹۵ش)، «بررسی تطبیقی تفسیر آیات ۱ تا ۵ سوره تحریم در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن»، تهران: *مجموعه مقالات اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی*.
- صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۸ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۵۲ش)، *تاریخ الرسل و الملوک*، تهران: بنیاد فرهنگ.
- طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۳ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسگری، مرتضی، (۱۳۸۸ش)، *آخرین نماز پیامبر(ص)*، قم: دانشکده اصول الدین.
- فضل الله سید محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر صافی*، قم: انتشارات الصدر.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹ش)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، مترجم فاطمه شایسته پیران، تهران: طبع و نشر.
- فلاح، ابراهیم؛ شفیع پور، سجاد، (۱۳۹۷ش)، «گفتمان کاوی انتقادی سوره شمس بر اساس الگوی فرکلاف»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، شماره ۱، صص ۲۹-۴۲.
- فقیه ملک مرزبان، نسرین، (۱۳۹۲ش)، «نقد و تحلیل گفتمان نقشبندیه در غزل جامی بر اساس نظریه زبان شناختی فرکلاف و هالیدی»، *مطالعات عرفانی*، شماره ۱۸، صص ۱۱۳-۱۴۶.

فقهی زاده، عبدالهادی؛ برزگر، محمد، (۱۳۹۶ش)، «جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم»، *مجله حدیث پژوهی*، شماره ۱۷، صص ۸۵-۱۰۲.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتب.

قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.

کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تهران: طبع الاسلامیه.

مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.

مؤمنی، محمد، (۱۳۹۵ش)، «بررسی تحلیل گفتمان انتقادی سوره یوسف(ع)، بر اساس الگوی نورمن کلاف»، تهران: *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای کاربردی در مطالعات*

زبان.

مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، *الکاشف*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مححص، مرضیه؛ بهادری، آتنا، (۱۳۹۸ش)، «تأملی بر مناجات همسر عمران با رویکرد تحلیل گفتمان»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، شماره ۳۹، صص ۵۱-۷۱.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار(ع)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.

میرفخرایی، تژا، (۱۳۸۴ش)، *فرایند تحلیل گفتمان*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

نریمان، کیانوش، (۱۳۹۶ش)، «سر نهفته درآیه ۳ سوره تحریم با توجه به اسباب نزول در تفاسیر شیعه و سنی»، تهران: *مجموعه مقالات سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی*.

ون دایک، تئون، (۱۳۹۹ش)، *تحلیل متن و گفتمان*، مترجم پیمان کی فرخی، تهران: نشر پرسش.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

Nahj al-Balagha.

Asgari, Morteza(1388 SH), The Last Prayer Of The Prophet, Qum: Usul al-Din University.

Agha gol zadeh, Ferdos(1385 SH), Critical Discourse Analysis, Creation of discourse analysis in Linguistics, Tehran: scientific and cultural company.

Bukhari, Muhammad Ibn Ismail (1422 AH), Al-Jama Al-Musnad Al-Sahih Al-Mukhtasar, Lebanon, Dar Tough Al-Najat.

- Bahrampoor, Shaaban Ali(1379 SH), Critical Analysis of Discourse Analysis, Media Development center.
- Elahian, Leila(1391 SH), Significance check of texture in literary research, Tehran: Literary Research Magazine.
- Fairclough, Norman(1379 SH), Critical Discourse Analysis, translated by Fatemeh Shayesteh Piran, Tehran: publication&emission.
- Faghih Malek Marzban, Nasrin(1392 SH), Criticism and Discourse analysis in jaami ghazaliat by fairclaugh and holiday model.
- Fallah, Ibrahim&Shafia poor, Sajad(1397 SH), Critical meaning discourse of sura shams by fairclaugh's model.
- Fegghi Zadeh, Abdolhadi &Barzegar, Mohammad(1396 SH), Tehran, Jurnal of hadith studies.
- Fayz Kashani, mulla Mohsen(1415 AH), Tafsir e Safi, Qum: al-Sadr publications.
- Fazl Allah, Seyed Mohammad Hossein(1419 AH), Min Vahy al-Quran, Beirut, Dar al-Melak le al-Tabaa.
- Hoseini fatemi, Sayyid Ali(1385 SH), Criticism of opinions about revealing the prophet' secret in sura tahrir, Islamic history magazine in research mirror.
- Ibn shahrashub, Mohammad Ibn Ali(1369 SH), Motashabeh al-Quran, Qum: DAR Bidar le al-Nashr.
- Ibn Ashur, Mohammad bin tahir(1420 AH), al-tahrir wa al-tanwir, Beirut: al-Tarikh al-Arabi Institue.
- Ibn Abil- hadid, Abd al Hamid(1404 AH), Sharh Nahj al-Balagha, Qum: Marashi library.
- Jani poor, Mohammad(1390 SH), Ethics in War, Tehran: Imam sadegh university.
- Koleini, Mohammad bin Yaghoob(1407 AH), Usul e Kafi, Tehran: al-Islamiyyah.
- Khameh Gar, Mohammad(1400 SH), The Structure and Purpose of Sura Tahrir, deductive reasoning with comprehensive approach.
- Mustafawi Hassan(1368 SH), al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-karim, Tehran: Ministry of Islamic Culture& Guidance.
- Moghnieh, Mohammad Javad(1424 AH), al-Kashif, Tehran, Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
- Majlesi, Mohammad Baqir, Behar al-anwar(1403 AH), Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
- Mofid, Mohammad bin Mohammad(1413 AH), al- Irshad fi Maarifat al-hajaj Allah ala al-Ibad, Qum, Kongre jahani hezare Sheikh Mofid.

- Mirfakhraei, Teja(1384 SH), Discourse Analysis Process, Tehran, The media studies and research.
- Mohases, Marzieh & Bahadori Atena(1398 SH), Thinking about fervent prayer of Imran' wife approach by discourse analysis, Quranic Knowledge Research.
- Momeni, Mohammad(1395 SH), Discourse Analysis about Yoosof sura, International conference on Applied Research in language studies.
- Nariman Kianoosh(1396 SH), A Critical Analysis of Tantawi and Mohammad Abduh's views in the scientific Interpretation of the Quran.
- Qurashi, Sayyid Ali Akbar(1371 SH), Qamus-e Quran, Tehran: Dar al-Kutub al- Islamiyyah.
- Qummi, Ali Ibn Ibrahim(1363 SH), Tafsir al-Qummi, Qum: Dar al-Kotob.
- Raghib Isfahani, Hosein Ibn Mohammad(1412 AH), Mofradat Alfaz Quran, Beirut: Dar al-Qalam.
- Rajab Zadeh, Shirin& Akhavan moghadam, Zohreh(Sayyed Ibn Tawus, Ali Ibn Musa(1400 AH), al-taraif fi maarifat mazhab al-tawaif, Qum: Khayyam publication.
- Suyuti, Jalal al-Din(1404 AH), Tafsir al-Dur al-Mansur, Qum: marashi library.
- Sadeghi Tehrani, Mohammad(1365 SH), al Forghan fi Tafsir al-Quran be al-Quran, Qum: Islamic Culture Department.
- Soltani, sayyid Ali Asghar(1384 SH), The Power of Discourse and Language, Tehra: ney publication.
- Shali, Mohammad reza(1395 SH), Comparative survey of Ayat 1-5 Sura Tahrim in Almizan and fi Zelal al-Quran, conference of Futurology.
- Tusi, Mohammad Ibn Hassan, (n.d.), al-Tibyan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Tabatabai, Sayyid Mohammad Hossein(1417 AH), al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Qum: Daftar-e Nashr-e Islami.
- Tabresi, Fadl bin Hassan(1372 SH), Majma al Bayan, ed. Sayyid Ahmad Husseini, Tehran: Nasir- Khusru Press.
- Tabari, Mohammad bin Jarir(1352 SH), History of the Prophets and King, Tehran: Bonyad e Farhang.
- Van dijk, Teun(1399 SH), Principles of Critical Discourse Analysis, Tehran, porsesh publication.
- Zamakhshari, Mahmud bin Umar(1407 AH), al-Kashshaf an Haqaiq Ghamid al-Tanzil, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.